

## ذکائی بیضائی

## تذکره خوان نعمت

دانشمند محترم جناب آقای وحیدزاده (نسیم) دامت افاضاته

در شماره اخیر مجله ادبی و وزین ارمغان (شماره سوم - خردادماه ۱۳۵۷) مقاله‌ای بقلم نویسنده و دانشمند نامی استاد جمالزاده دامت ایام افاداته تحت عنوان تذکره خوان نعمت و در باره این تذکره که از تألیفات ارادتمند است مرقوم شده بود که نتوانستم تشخیص دهم که از این کتاب که شامل شرح احوال و نمونه آثار هشتادوشش تن از شعرای معاصر است تعریف کرده بودند و نیز تذکراتی داده بودند که از حسن توجهشان نسبت باین تألیف ناچیز تشکر فراوان دارم و ضمناً اجازه می‌خواهم نسبت به یکی دو نکته که احتیاج بتوضیحی مختصر دارد توضیح عرض نموده و يك اشتباه كوچك را هم که یقین دارم در اثر تشابه اسمی بوجود آمده بعرض برسانم.

اول آن اشتباه حضرت استادی برای اینکه بفرمائید مضاین شعر امروز همان مضاین اشعار دوره‌های گذشته است سطری چند در این باب مرقوم و از جمله چنان مرقوم داشته‌اند دو بیت هم از نویسنده کتاب شاهد آورده‌اند تا ثابت فرمایند که مضمونها کهنه است و حالا آن اشتباهی که عرض کردم در نقل این دو بیت واقع شده است.

قبلا بد نیست عین بیان حضرت ایشان را بخوانیم تا بمورد اشتباه برسیم مرقوم می‌فرمایند «در کتاب تذکره خوان نعمت از ۸۶ تن شاعر معاصر ما چند

صد قطعه شعر آمده است که عموماً بهمان سبک و شیوه و طرز متقدمین ساخته شده است و اگر از مضامین آنها هم فهرستی ترتیب بدهیم خواهیم دید که قسمت بزرگی از آن مضامین و اصطلاحات یادگار دوره‌های گذشته و قرون سلف است چنانکه مثل همان دو بیت اول کتاب که پرورده طبع رسای خود آقای ذکائی بیضائی مؤلف محترم و با همت کتاب است.

برآرم چونی تانوای جدائی      بمن یکدم ای ناله کن هموائی  
جدا از تو گوید همه بند بندم      جدائی جدائی جدائی الی آخر  
حرف اینجاست که این دو بیت شعر از بنده زیست.

این دو شعر از يك غزل شانزده بیتی حسین بیضائی متخلص بادب است که نفر اول از اشخاص مذکور در تذکره است و شعر بنده مولف از صفحه ۱۲۰ شروع میشود و نفر بیست و دو از تذکره است و تفاوت بین آنها بسیار است اینک از حضورشان تقاضا دارم که اشعار ناقابل بنده (نعمة الله ذکائی بیضائی) را از صفحه ۱۲۱ تذکره بیعده ملاحظه فرموده و اگر تذکره لازم دیدند (که حتماً خواهند دید چون بنقص زیاد اشعار خود واقفم) لطفاً بفرمائید که از حضرتشان کاملاً سپاسگزار خواهم شد.

و اما دو نکته‌ی که معروض رفت یکی اینکه مرقوم فرموده‌اند:

«مایه تعجب حقیر گردید که در آن کتاب تذکره خوان نعمت در صفحات ۲۳۲ و ۳۳۵ که از محمد علی مکرم اصفهانی سخن در میان است از اشعاری که مایه شهرت او گردیده و هنوز هم بسیاری از هموطنان ما و بخصوص مردم اصفهان در خاطر دارند از قبیل «ای سقاخانه معجزه را گرو گرش کن» نمونه‌ای نیامده است الی آخر.



اینجا هم باید عرض کنم باین دلیل این کار نشده است که خود جناب ایشان هم يك مصراع شعریکه از مرحوم مکرم ذکر فرموده‌اند باتحریر بیان کرده‌اند باین توضیح که اصلا این شعر معروف بشعر هارون ولات است و در دیوان مکرم بعنوان (اشعار سینه‌زنی‌ها رون ولات) ضبط شده و در ستش این است (یا هارون ولات معجزه را گرو گوش کون) صفحه ۱۱۸ دیوان مکرم و مصراع دومش را هم مرقوم فرموده‌اند چون نفرین یکی از محترمان مرحوم اصفهان است و منجم نمی‌نویسم پس روشن گشت که عدم ذکر اشعاریکه مایه شهرت شادروان مکرم گردیده بچه دلیل بوده است و در تذکره اشاره بسبک و نوع اشعار و شهادت و روشن فکری ایشان مشده و طالبان آن آثار را بمراجعه بدیوان مطبوعش حواله دادیم .

و نکته دوم اینکه بیانی باین مضمون مرقوم داشته‌اند دوستی دارم که از شعرای نامدار امروز ایران است و در شعرش سپر غم بکار برده و از او پرسیدم سپر غم چه نوع گلی است و نمیدانست و هم گفته بود که با شعرای ایرانی در زیر کرسی بهاریه میسازیم و غیره و غیره میخواهم عرض کنم آن آقا خیلی بی لطفی فرموده و از پیش خود حرف زده‌اند زیرا ما شعرای ایرانی هم سپر غم میدانیم چیست و هم در زیر کرسی بهاریه میسازیم و استاد هم که از ایشان پرسیده‌اند سپر غم یا اسیر غم چه نوع گلی است و آیا میدانی که در زبانهای فرنگی بچه نامی خوانده میشود؟ خواسته‌اند او را امتحان کنند نه اینکه نمیدانسته‌اند سپر غم چیست چون سپر غم لغت قلمبه یا اسم ناشناخته‌ای نیست که استاد با آن آشنا نباشند به حال از حضرت استاد کمال تشکر و امتنان را دارم و از این حسن توجهشان که خوان نعمت را از اول تا آخر بدقت ملاحظه فرموده و از يك يك بیشتر صاحبان ترجمه در آن کتاب نام برده اند سپاسگزارم.